



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

Home page: www.cmess.sinaweb.net

سخن فصل

سناریوهای جنگ علیه لبنان

سید حسین موسوی^۱

از زمانی که حزب‌الله پس از عملیات توفان اقصی با یک روز فاصله در هشتم اکتبر ۲۰۲۳ اقدام به گشودن جبهه جدیدی علیه رژیم اسرائیل کرد، هدف را کاهش فشار علیه غزه و توقف جنگ اعلام کرد. حزب‌الله با برهم زدن تمرکز اسرائیل علیه باریکه غزه در چارچوب اقدامات هماهنگ جبهه مقاومت عراق و یمن، تنش را در چارچوب قواعد یک نبرد با شدت کم و محدود و به صورت اقدامات تدریجی به پیش راند. عملیات عموماً موشکی و توپخانه‌ای بود و اسرائیل نیز متناسب با شدت اندکی بیشتر پاسخ می‌داد. عملیات طرفین که به‌عنوان یک جنگ محدود مرزی انجام می‌شد، منجر به آن شد که دو طرف مرز تقریباً خالی از سکنه شود و فقط نیروهای نظامی اسرائیل در یک سو و رزمندگان مقاومت اسلامی در سوی دیگر حضور داشته باشند. با تغییر روش در تاکتیک‌های اسرائیل در اقدام بر ترور فرماندهان بلند پایه و میانی حزب‌الله جنگ از شدت بیشتری برخوردار شد.

شهادت یکی از فرماندهان بلند پایه حزب‌الله به نام طالب سامی عبدالله در ۱۱ ژوئن ۲۰۲۴ همراه با سه تن دیگر باعث شد حزب‌الله در دو روز متوالی صدها موشک و خمپاره به اهداف اسرائیلی شلیک کند؛ امری که به آتش‌سوزی در بیش از صد کیلومتر مربع در شمال اسرائیل انجامید و بسیاری از مراکز نظامی اسرائیل را نابود کرد. افزایش تنش به گونه‌ای شد که بلافاصله فرستاده‌ای از آمریکا به لبنان و اسرائیل برای دعوت به کاهش تنش سفر کرد. عاموس هکشتاین در لبنان آن گونه که نقل شد، هشدار مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا را به طرف لبنانی ابلاغ و اعلام کرد که در صورت ادامه تنش، آمریکا

۱ - مدیرمسئول فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی و رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

مواضع خود را در مخالفت با جنگ اسرائیل علیه لبنان پس می‌گیرد و اگر حزب‌الله به جنوب شهر لیتانی عقب نشینی نکند، اسرائیل آماده جنگ گسترده خواهد شد. هدف اسرائیل از چنین جنگ احتمالی‌ای عقب نشانیدن حزب‌الله از شهر لیتانی به اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت اعلام شد (که در سال ۲۰۰۶ در جنگ گسترده پیشین اسرائیل علیه لبنان تصویب شده بود)؛ حزب‌الله در مقابل پیام داد که فعلا پایان جنگ علیه غزه اولویت دارد و مذاکره در این باره را نمی‌پذیرد.

با گسترش جنگ مرزی در عمق لبنان، حزب‌الله نیز عملیات را به عمق بلندی‌های الجلیل و منطقه صغد گسترش داد و این بار پهپادهای حزب‌الله راهی مناطق عمیق‌تری در شمال اسرائیل شدند. در داخل رژیم صهیونیستی ساکنان منطقه الجلیل که در مناطق دیگر اسکان داده شده بودند، شرط بازگشت خود را به دور راندن حزب‌الله از مرزها و ایجاد یک راه‌حل امنیتی پایدار موقوف کردند؛ این مسئله فشار را برای گسترش جنگ در داخل اسرائیل افزون‌تر کرد و تندروان اسرائیلی شروع به کوییدن طبل برای آغاز یک جنگ گسترده علیه حزب‌الله کردند.

ارتش اسرائیلی با اعلام تصویب یک طرح جنگی گسترده برای انجام یک عملیات نظامی بزرگ عملا جنگ روانی را برای چنین جنگی آغاز کرد، البته این فضا سازی با واکنش‌های داخلی و بین‌المللی فراوانی روبه‌رو شد و این سوال مطرح شد که اسرائیل چگونه می‌تواند هم‌زمان دو جنگ زمینی و دو جنگ هوایی را مدیریت کند و آیا گسترش وسعت نبرد می‌تواند اسرائیل را از ورطه کنونی نجات دهد؟ به نظر می‌رسد اسرائیل چنین گمان کرده که با انجام یک عملیات بزرگ نظامی علیه حزب‌الله و طبیعتا کشور لبنان، می‌تواند همان گونه که بسیاری از زیرساخت‌ها را در غزه نابود کرد، این بار نیز همین سناریو را در لبنان تکرار کرده و از قدرت آتش حزب‌الله بکاهد. همچنین بدیهی است که اسرائیل نمی‌تواند بدون کمک آمریکا و هم‌پیمانان غربی در جنگی درگیر شود که پیامدها و نتایج نامشخصی دارد.

محافظی که در اسرائیل دعوت به تاخیر جنگ گسترده با حزب‌الله می‌کنند، نیک می‌دانند که با خستگی و روحیه پایین سربازان اسرائیلی، درگیر شدن با حزب‌الله که به مراتب قدرتمندتر از حماس است، تا چه حد زیان‌آور خواهد بود؛ به‌ویژه آنکه نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های اسرائیل در جنگ غزه نیز آشکار شده است. از آن مهم‌تر چنین جنگی علیه لبنان ممکن است به یک جنگ منطقه‌ای فراگیر و حتی بین‌المللی کشانده شود و بسیاری کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز دست بسته نخواهد

ماند. ضمن آنکه چنین جنگ گسترده‌ای ماهیتا طولانی خواهد بود و مصالح و منافع بسیاری کشورها از جمله آمریکا را به خطر خواهد انداخت.

با توجه به چنین ارزیابی‌هایی از ایجاد یک جنگ تمام عیار، دستگاه اطلاعاتی آمریکا راسا درگیر مذاکرات برای حصول یک توافق در غزه شد تا از این طریق و با ایجاد یک آتش‌بس بتواند از گسترش جنگ جلوگیری کند. با توجه به آنکه در صورت وقوع جنگ بیروت پایتخت لبنان نیز هدف تهاجم خواهد بود، لبنانی‌ها خود را برای هر گونه احتمالی آماده کرده‌اند. اما سوال بزرگ آن است که احتمال وقوع چنین جنگ گسترده‌ای تا چه حد متصور است؟ مسلم آن است که آغاز نبرد مرزی حزب‌الله و رژیم اسرائیل در گرو اعتبار و صدق حزب‌الله در دفاع از هم‌پیمان خود، حماس بود و حزب‌الله در عین حال که تا کنون کوشیده است لبنان را به دام جنگ سوق ندهد، پاسخ‌های عملیاتی خود را متناسب با صحنه جنگ داده است و همواره اسرائیل بوده که بر شدت تنش افزوده است، حتی میانجیگران فرانسوی و آمریکایی نیز نتوانستند گسترش اقدامات اسرائیل را علیه لبنان کنترل کنند. حزب‌الله نیز برای نشان دادن آمادگی خود در بازدارندگی اسرائیل در صورت حمله گسترده اقدام به انتشار نوار ویدیویی دقیق و شفافی کرد که بندر حیفا و مراکز نظامی و شبه نظامی اسرائیل را که از طریق پهپادها تصویربرداری شده بود، نشان داد و از این طریق اعلام کرد که به عمق اسرائیل دسترسی دارد و ساختار دفاعی اسرائیل قادر به مقابله با اقدامات نظامی حزب‌الله نیست. سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله هم اعلام کرد توانایی‌های حزب‌الله بسیار فراتر از آن چیزی است که اسرائیل گمان می‌کند و در صورت وقوع جنگ تمام عیار، حزب‌الله هیچ سقف و محدودیتی را نخواهد شناخت. در عین حال حزب‌الله بارها اعلام کرده که خواهان گسترش جنگ نیست و در صورت یک آتش‌بس پادار در غزه عملیات خود را پایان خواهد داد. جدیت حزب‌الله و پایداری نیروهای مقاومت باعث شد که محافل سیاسی و امنیتی اسرائیل بار دیگر لزوم تعامل با حزب‌الله را مطرح کنند؛ به‌ویژه آسیب‌های جدی که تا کنون به مراکز نظامی، پایگاه‌های رادار و پایش اسرائیل در عملیات‌های هدفمند و دقیق حزب‌الله وارد شده است، طبقه سیاسی و حاکم را به ضرورت این تعامل سوق داده است. ضمن آنکه آنان امیدوار هستند اتفاقات غزه و در واقع کشتار بی‌رحمانه و ویرانی غزه درسی برای حزب‌الله باشد و از این طریق میانجیگران بتوانند حزب‌الله را قانع به عقب‌نشینی به پشت رودخانه لیتانی کنند.

حزب‌الله علی‌رغم ترورها و حملات هوایی، نرمشی در مواضع خود بروز نداده است به‌ویژه آنکه حزب‌الله بر عکس آنچه در غزه اتفاق می‌افتد، در زدن اهداف در شمال اسرائیل دست بالا را دارد و احساس برتری راهبردی می‌کند.

در صورتی که نتانیاهو همچنان بر ایجاد یک جنگ تمام عیار علیه لبنان اصرار بورزد، سناریوهایی محتمل است که در ذیل ذکر می‌شود:

۱. سناریوی نخست عملیات محدود نظامی اسرائیل علیه لبنان است. با توجه به آنکه حزب‌الله خواهان گسترش نبرد نیست و همچنان در چارچوب پاسخ متناسب با قواعد جنگ و توازن عمل می‌کند. احتمالاً شکستن این قواعد که تناسب عمل و عکس‌العمل مشهور است، با اراده یک جانبه اسرائیل خواهد بود. چنین جنگی به صورت محدود علیه مراکز نظامی حزب‌الله، انبارها و زاغه‌ها، ترور رهبران حزب‌الله آغاز شده و با انجام عملیات محدود زمینی، زمین سوخته‌ای را در جنوب لبنان ایجاد خواهد کرد.

چنین سناریویی امکان تحقق بالایی ندارد، زیرا حزب‌الله مدت‌هاست خود را برای چنین سناریویی در چارچوب عملیات نظامی محدود آماده کرده است.

۲. سناریوی دیگر ایجاد جنگ تمام عیار و گسترده است که هدفش نابودی کامل زیرساخت‌های حزب‌الله و گسترش ویرانی و کشتار بی‌رحمانه در همه جای لبنان است.

در چنین حالتی محور مقاومت در کلیه جبهه‌ها در حمایت از حزب‌الله فعال خواهد شد و دایره جنگ در محدوده محور مقاومت گسترش می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به آنکه از توانایی‌های جبهه مقاومت اطمینان دارد، در این سناریو مستقیماً وارد جنگ نخواهد شد، البته حمایت‌های همه جانبه خود را افزایش خواهد داد. چنین جنگی نیز برای اسرائیل بسیار گران تمام خواهد شد، ضمن آنکه تجربه غزه بسیاری از توانایی‌های اقتصادی و نظامی اسرائیل را کاهش داده است. در عین حال آینده این جنگ نیز قابل پیش‌بینی نیست و بسیار محتمل است که خلاف اراده اسرائیل به پیش رود و احتمالاً این بار حزب‌الله و نیروهای فلسطینی باشند که به منطقه الجلیل در اسرائیل وارد شوند و ده‌ها و بلکه صدها هزار اسرائیلی زندگی پناهگاهی خود را آغاز کنند. افزون بر آن روزانه هزاران موشک راهی اسرائیل شده و بسیاری از شگفتی‌سازها و سلاح‌های پیشرفته حزب‌الله نیز به میدان خواهد آمد. خسارات وارده به طرفین چنین جنگی غیر قابل برآورد خواهد بود.

۳. سناریوی سومی که وجود دارد شعله‌ور شدن یک جنگ منطقه‌ای تمام عیار است که جمهوری اسلامی ایران نقش حمایتی خود را خارج و در مقام یک کشور وارد جنگ شود. چنین امری در صورتی به وقوع خواهد پیوست که حزب‌الله و محور مقاومت متحمل شکست سنگینی شده و در آستانه نابودی باشند. در این سناریو صحنه جنگ بسیار گشوده‌تر خواهد شد و چنین جنگی از ویژگی آخرالزمانی برخوردار خواهد بود، زیرا ورود غرب به ملاحظات دیگر ابر قدرت‌ها خواهد انجامید.

به نظر می‌رسد برای پرهیز از ورود به چنین سناریوهایی با مخاطرات فراوان، پیشگیری به مراتب بهتر از اقدام است. در حالی که راه‌های بسیار کم هزینه‌ای وجود دارد و آن ایجاد یک آتش‌بس دائم در غزه است؛ کمترین بهایی که برای پرهیز از جنگ تمام عیار منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخت می‌شود. حزب‌الله بارها اعلام کرده که خواستار آتش‌بس دائم در غزه بوده و قصد گسترش جنگ را ندارد، میانجیگران غربی نیز بارها بر چنین موضعی تاکید کرده‌اند، طبقات سیاسی و امنیتی اسرائیل نیز به ضرورت چنین راه‌حلی واقف هستند. تنها تندروان و افراطیون راست اسرائیلی هستند که بر طبل جنگ می‌کوبند. انزوای این گروه می‌تواند راه را برای جستجوی راه‌حل و برقراری آتش‌بس پایدار در غزه باز کند. آینده منطقه را غلبه یکی از این دو رویکرد رقم خواهد زد.